

 10.30497/sj.2024.245785.1359

*Bi-quarterly Scientific Journal of "Research Letter of Social Jurisprudence",
Vol. 12, No. 1 (Serial 23), Autumn 2023 and Winter 2024*

Research Paper

Examining the Aspects of Issuing Mortgage Bonds with an Emphasis on Money Creation; a Jurisprudential and Economic Study

Sadiq Elham*
Mohammad Kaveh Bahrami**
Jafar Arefi***

Received: 22/12/2023

Accepted: 05/03/2024

Abstract

Money and capital markets are two important financial institutions in any country that have a close relationship with each other, and their interaction can change the trend of financing organizations usually done through money market and provide a situation when this process could take place with the help of capital market. Mortgage bonds make one of the links between money and capital markets in order to change facility assets to valuable papers for financing. However, converting deposits to facilities and discounting future earnings based on facility assets in cash through primary and secondary markets make us encounter the phenomenon of money creation, especially in the banking system. Since the cause of money creation is conventionally known to be debts, we face a jurisprudential dispute about the validity of using deposits, facilities and investment for mortgage bonds market based on debts. The answer to this question in an analytical and descriptive way with reference to jurisprudential documents leads us to the conclusion that reallocating resources and financing through issuing bonds based on facility assets in the secondary market with the support of bank deposits and offering these facilities to other customers in the bank and money systems of the country are flawless.

Keywords

Money Creation, Mortgage Bonds, Important Papers, Valuable Documents, Mortgage Facilities, Debt

* Assistant professor, Department of Fiqh and Foundations of Law, Faculty of theology and Islamic Studies, ISU, Tehran, Iran s.elham@isu.ac.ir

** M.A. student, Faculty of Islamic Studies and Economics, ISU, Tehran, Iran (corresponding author), kavehbahrami@gmail.com

*** M.A. student, Faculty of Islamic Studies and Economics, ISU, Tehran, Iran jafararefi@gmail.com



1030497/SJ.2024.245785.1359

دوفصلنامه علمی «پژوهش نامه فقه اجتماعی»، سال دوازدهم، شماره اول (پیاپی ۳۳)، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صص. ۱۰۷-۱۳۴

بررسی ابعاد انتشار اوراق رهنی با تأکید بر خلق پول؛ مطالعه فقهی و اقتصادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی

صادق الهام*

محمد کاوه بهرامی**

جعفر عارفی***

چکیده

بازار پول و سرمایه دو نهاد مالی مهم در هر کشور هستند که رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر دارند. تعامل این دو بازار می‌تواند مسیر تأمین مالی بنگاه‌ها را که امروزه عمدتاً از طریق بازار پول صورت می‌گیرد، تغییر دهد و شرایطی را رقم بزند که تأمین نقدینگی به پشتوانه منابع مالی تجهیز شده در بازار سرمایه صورت پذیرد. اوراق رهنی به‌عنوان یکی از حلقه‌های اتصال بازار پول و سرمایه در راستای تبدیل دارایی‌های تسهیلاتی به اوراق بهادار برای تجدید منابع و تأمین مالی شمرده می‌شود. تبدیل مبالغ سپرده‌گذاری شده به تسهیلات و تنزیل درآمدهای آتی مبتنی بر دارایی‌های تسهیلاتی به وجه نقد از طریق بازار اولیه و بازار ثانویه، ما را با پدیده آشکاری به نام خلق پول به‌ویژه در نظام بانکی مواجه می‌کند. با عنایت به اینکه مشهور ماهیت خلق پول را دین می‌دانند، پاسخ به این پرسش که آیا بازار اوراق رهنی بر اساس دیون از ناحیه سپرده‌گذاری، اعطای تسهیلات و سرمایه‌گذاری دارای صحت فقهی است یا خیر، محل بحث است. پاسخ به این پرسش به روش تحلیلی و توصیفی با استناد به ادله و مدارک فقهی ما را به این جمع‌بندی می‌رساند که تجدید منابع و تأمین مالی از طریق انتشار اوراق مبتنی بر دارایی‌های تسهیلاتی در بازار ثانویه به پشتوانه سپرده‌های بانکی و اعطای این تسهیلات به مشتریان دیگر در نظام پولی و مالی کشور خالی از اشکال بوده است.

واژگان کلیدی

خلق پول؛ اوراق رهنی؛ اوراق بهادار؛ تسهیلات رهنی؛ دین.

* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام، تهران، ایران. s.elham@isu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول). kavehbahrami1998@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام، تهران، ایران. jafararefi@gmail.com

مقدمه

توسعه دانش مالی مبتنی بر توسعه بازارها، نهادها و ابزارهای مالی است و اقتصادی توانمند است که بتواند ابزارهای مناسب و متنوع برای جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی داشته باشد (جمشیدی، ۱۳۸۲، ص. ۴۹). امروزه توسعه بازارهای پول و سرمایه در کشورهای اسلامی با استفاده از توسعه ابزارهای مالی اسلامی و به معنای دقیق، ایجاد صکوک‌های مختلف مانند صکوک مرابحه، صکوک مشارکت، صکوک اجاره و... در حال انجام است و نهادهای جدیدی در بستر همین بازارها یا مستقل شکل گرفته است. باید به این نکته مهم اشاره کرد که هدف از توسعه همه این موارد تأمین مالی در دسترس و سریع بنگاه‌های اقتصادی است که برای ایجاد کسب‌وکار یا توسعه فعالیت خویش هم‌اکنون نیاز به منابع دارند که اگر این فرایند تأمین مالی تسهیل یابد باعث شکوفایی هرچه بهتر و سریع‌تر اقتصاد خواهد شد. برای این شکوفایی اقتصادی توجه به ارتباط بازار پول و سرمایه اولویت دارد و تأمین مالی از طریق تبدیل دارایی‌های بانکی با پشتوانه تسهیلات به اوراق بهادار مصادیقی از این ارتباط بازارها و توسعه ابزارهای مالی اسلامی است. بررسی‌های جهانی ارتباط میان بازار پول و سرمایه نشان می‌دهد که در آمریکا نیز این روش تأمین مالی و تجدید منابع به کار گرفته شده و در دو دهه اخیر مورد استقبال خیلی از کشورها قرار گرفته است. در این شیوه، بانک‌هایی که منابع خود را از طریق اعطای وام و اعتبار در اختیار متقاضیان قرار داده بودند، می‌توانستند با تبدیل مطالبات خود به اوراق بهادار فروختنی در بازارهای مالی، منابع خود را تجدید کنند و به مشتریان دیگر تسهیلات بپردازند (موسویان، ۱۳۸۹، ص. ۱۳). امروزه در کشورهای اسلامی نیز این تبدیل دارایی به اوراق بهادار توسط یکی از صکوک یعنی اوراق رهنی در راستای تبدیل دارایی‌های تسهیلاتی به اوراق بهادار برای تجدید منابع، تسریع و تسهیل تأمین مالی صورت می‌گیرد. اوراق رهنی به علت مبتنی بودن بر عقد رهن که به موجب آن، مالی وثیقه دین قرار می‌گیرد، دارای پوشش ریسک اعتباری مناسبی هستند، اما باید اشاره کرد که عملیات تبدیل تسهیلات اعطاشده به اوراق بهادار و فروش آن‌ها از نظر بانک می‌تواند چندین نوبت تکرار شود و قدرت تسهیلات‌دهی بانک را بالا برد (موسویان، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۹) که وقوع این پدیده که یکی از آثار مترتب بر انتشار اوراق رهنی توسط بانک در بازار اولیه بازار سرمایه

(فراپورس) است، ما را با پدیده آشکاری به نام خلق پول به‌ویژه در نظام بانکداری مواجه می‌کند؛ هرچند باید توجه کرد که در بحث مشروعیت فقهی اوراق رهنی، پاسخ به پرسش‌هایی مانند آیا تسهیلات اعطایی بانک‌های بدون ربا از منظر فقهی قابلیت تبدیل به اوراق بهادار را دارد، اهمیت یافته است. در این مقاله به توضیح کلیات این چهارچوب تأمین مالی اکتفا می‌شود و به هدف اصلی پژوهش که «آیا بازار اوراق رهنی بر اساس دیون از ناحیه سپرده‌گذاری، اعطای تسهیلات و سرمایه‌گذاری دارای صحت فقهی است یا خیر؟»، پرداخته خواهد شد. نوآوری پژوهش حاضر این است که به توضیح مفاهیم و اصطلاحات فقهی و اقتصادی در کنار هم پرداخته که تا به امروز اکثراً به‌صورت جداگانه بحث شده است. در پژوهش حاضر با روش تحلیلی و توصیفی و با استناد به مدارک فقهی و اقتصادی در حد وسع و توان، بیشتر مطالب مهم در حوزه اوراق رهنی، خلق پول، تسهیلات رهنی و دین تعریف و تشریح شده و رابطه‌ای را میان آن‌ها شکل داده است که می‌تواند شروع تحقیقات گسترده‌تر و منسجم‌تر در این حوزه باشد.

۱. پیشینه پژوهش

۱. موسویان و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «اوراق بهادار (صکوک) بانکی؛ تبدیل تسهیلات بانکی به اوراق بهادار در بانکداری بدون ربا» به مسئله امکان تبدیل تسهیلات بانکی به اوراق بهادار پرداخته و از منظر فقهی، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، خرید دین، مشارکت مدنی و... را تأیید و از این میان فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک را به‌خاطر ویژگی‌هایی، بهترین گزینه برای تبدیل به اوراق دانسته و در استفاده از این ابزار و اقدامات برای کنترل ریسک آن پیشنهادهایی داده‌اند.
۲. جعفری ندوشن و زیرک باروقی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فقهی و حقوقی رابطه بانی و ناشر در اوراق مشارکت رهنی» به مسئله روابط فقهی و حقوقی اوراق بدهی در تأمین مالی بانک‌ها پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که اوراق رهنی در تأمین مالی بانک‌ها نسبت به دیگر اوراق بدهی از قابلیت توجیه و انطباق‌پذیری بیشتری برخوردار است.

۳. کميجانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها» به مسئله کاستی‌های دیدگاه‌های رایج درباره ماهیت بانک و نقش آن در اقتصاد با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که ریشه‌های مهم نادرست بانکی شامل برداشت کالایی نسبت به پول، مغالطه ترکیب و خلط مباحث خرد و کلان، بی‌توجهی به اصول حسابداری دوطرفه و عدم تفکیک ترازنامه بانک مرکزی است که باید برای اصلاح دلالت‌های خلق پول در حوزه بانکداری اسلامی، سیاست‌گذاری پولی، مقررات‌گذاری بانکی و مدل‌سازی اقتصاد کلان معرفی و تشریح شود.
۴. عالی‌پناه و تاج لنگرودی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تحلیل فقهی خلق پول به‌وسیله بانک‌های تجاری» به بررسی فقهی خلق پول در بانک‌های تجاری پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که خلق پول مشمول دو عنوان اکل مال به باطل و غصب است و حکم فقهی آن حرمت است.
۵. رستمی و حیدری‌پور (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «مدیریت موجودی اوراق بهادار بانکی و ریسک نقدینگی در سیستم‌های مالی» به مسئله تأمین مالی بانک‌ها از طریق فروش اوراق بهادار پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که با استفاده از اوراق بهادار محدودیت‌های نقدینگی بانکی کاهش می‌یابد.
۶. پاسبان و اسماعیلی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ماهیت فقهی و حقوقی ابزارهای مالی صکوک مرابحه و اجاره» به بررسی فقهی و حقوقی ابزارهای مالی نوین پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که ابزارهای مالی اسلامی کاملاً با قواعد عمومی قراردادها و دستورات شرع موافق و از نظر حقوقی صحیح هستند.
۷. سروش و کاوند (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «ریسک‌های اوراق رهنی اسلامی و برخی راهکارهای پوشش آن‌ها در ایران» به مسئله ریسک‌های اوراق رهنی و روش‌های پوشش آن‌ها با روش اکتشافی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که در صورت کنترل ریسک‌های اعتباری و عملیاتی می‌توان از اوراق رهنی به‌عنوان روشی مناسب برای تأمین مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری استفاده کرد.
۸. فرجی و شمس‌آبادی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی فرایند انتشار اوراق

رهنی و چگونگی به کارگیری آن؛ راهکاری نوین به منظور تأمین نقدینگی بانکها» به چگونگی استفاده از صکوک به منظور تأمین مالی بانکها پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که تبدیل تسهیلات فروش اقساطی به اوراق رهنی برای بانک صرفه اقتصادی دارد و می‌توان برای تأمین مالی از آنها استفاده کرد.

۹. سعیدی و کرد (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «امکان‌سنجی اقتصادی تبدیل تسهیلات فروش اقساطی به اوراق رهنی (مورد مطالعه: بانک ملی ایران)» به مسئله تأمین مالی بانکها به وسیله اوراق رهنی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از اوراق رهنی برای تأمین مالی امکان‌پذیر است و در صورت برقراری وضعیت خاص اقتصادی بر بانک ملی ایران، انتشار اوراق رهنی مناسب و اقتصادی دانسته می‌شود.

۱۰. سعیدی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «اوراق مشارکت رهنی؛ راهکار تأمین مالی بخش مسکن» به مسئله تأمین مالی بانکها و مؤسسات اعتباری برای اعطای تسهیلات پرداخته و به این نتیجه رسیده است که بانکها با استفاده از اوراق مشارکت رهنی، افزون بر کاهش ریسک اعتباری و ریسک ورشکستگی، منابع مالی آنها نیز آزاد می‌شود و نقدینگی فراوانی برای بانک پدید می‌آید.

۱۱. سروش (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «اوراق مشارکت رهنی ابزاری نوین در تأمین مالی بانکها» به چگونگی تأمین مالی بانکها از تبدیل دارایی به اوراق بدهی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که طراحی اوراق مشارکت رهنی، ابزاری برای تأمین مالی بانکها در کشورهای اسلامی از جمله ایران است.

۲. طرح مسئله

۲-۱. صکوک

ابزارهای مالی اسلامی یا صکوک، اوراق بهادار با ارزش مالی یکسان و قابل معامله در بازارهای مالی هستند که بر پایه یکی از قراردادهای مورد تأیید اسلام طراحی شده‌اند و دارندگان اوراق به صورت مشاع، مالک یک یا مجموعه‌ای از دارایی‌ها و منافع حاصل از آنها هستند (موسویان، ۱۳۹۱، ص. ۴۳۱). ایده انتشار اوراق بهادار اسلامی (صکوک) ابتدا برای بازار سرمایه و تأمین مالی طرح‌های اقتصادی مطرح شد، اما امروزه بانکهای

اسلامی نیز به اهمیت و کارکردهای این ابزار پی برده‌اند و در حال حاضر در کشورهای مختلف اسلامی و غیراسلامی، بانک‌های اسلامی با اهداف مختلف اقدام به انتشار انواع مختلف صکوک می‌کنند. بانک‌ها برای مقاصد مختلفی اقدام به انتشار صکوک می‌کنند که فرایند تنزیل درآمدهای آتی تسهیلات اعطایی و تبدیل دارایی‌های تسهیلاتی به اوراق بهادار از طریق انتشار صکوک بانکی انجام می‌شود.

۳. تبدیل دارایی‌های تسهیلاتی به اوراق بهادار با پشتوانه تسهیلات بانکی

بانک‌هایی که منابع خود را از طریق اعطای وام و اعتبار در اختیار متقاضیان قرار داده‌اند، می‌توانند با تبدیل مطالبات خود به اوراق بهادار قابل فروش در بازارهای مالی، منابع خود را تجدید کنند و به مشتریان دیگر تسهیلات بپردازند (موسویان، ۱۳۹۱، ص. ۷۱۵). اوراق بهادار منتشره در راستای تنزیل درآمدهای آتی از محل اقساط تسهیلات برای تجدید منابع بانکی، اوراق بهادار به پشتوانه تسهیلات بانکی نامیده می‌شود.

۴. عقد رهن

رهن، عقدی است که به موجب آن، مدیون مالی را برای وثیقه یا ضمانت به دائن می‌دهد. رهن‌دهنده را راهن و طرف دیگر را مرتهن می‌گویند. عقد رهن از سوی راهن لازم است، اما از سوی مرتهن جایز است (ماده ۷۷۱ قانون مدنی، ۱۳۰۷، ص. ۶۸).

۴-۱. تسهیلات رهنی

تسهیلات رهنی به تسهیلاتی اطلاق می‌شود که بانک در برابر اعطای تسهیلات به متقاضی (گیرنده تسهیلات)، سند دارایی را در رهن خود قرار می‌دهد (فرجی و رفیعی شمس‌آبادی، ۱۳۸۹، ص. ۶).

۴-۲. اوراق رهنی

اوراق رهنی، اوراقی هستند که به منظور مشارکت در خرید تسهیلات رهنی توسط ناشر منتشر می‌شود (دستورالعمل انتشار اوراق رهنی، ۱۳۸۴، ص. ۲). انتشار اوراق رهنی از سوی ناشر به منظور تنزیل درآمدهای آتی و تجدید منابع انجام می‌شود.

۳-۴. فرایند انتشار اوراق رهنی

فرایند انتشار اوراق رهنی در قالب صکوک مرابحه (فروش اقساطی) و صکوک اجاره به شرط تملیک انجام می‌شود. تسهیلات مرابحه و اجاره به شرط تملیک از لحاظ تبدیل شدن به اوراق بهادار از اولویت بیشتری نسبت به دیگر تسهیلات برخوردارند که این موضوع را می‌توان در دو نکته مستتر دانست. نخست، تسهیلات فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک دارای زمان بندی کاملاً مشخص و معلوم است و در نتیجه، بانک‌ها می‌توانند متناسب با شرایط بازار بسته‌های مناسب برای مبلغ و مدت زمان باقی مانده به تسویه را انتخاب و به بازار عرضه کنند. دوم، در تسهیلات اجاره به شرط تملیک، دارایی اجاره داده شده تا پرداخت آخرین اجاره بها در مالکیت بانک باقی می‌ماند. در فروش اقساطی نیز مالکیت دارایی به مشتری منتقل می‌شود، اما می‌توان همان دارایی یا معادل آن را به عنوان رهن دریافت کرد. بنابراین، تسهیلات فروش اقساطی رهنی و اجاره به شرط تملیک از کمترین ریسک نکول برخوردارند (موسویان، ۱۳۹۱، ص. ۷۳۸).

۳-۴-۱. مدل‌های عملیاتی تبدیل دارایی‌های بانکی به اوراق بهادار

با توجه به مطالبی که تا اینجا پژوهش بررسی شد، در ادامه، دو مدل عملیاتی اوراق مرابحه رهنی و اوراق اجاره رهنی و چگونگی آن برای تبدیل این تسهیلات فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک به اوراق بهادار تبیین خواهد شد.

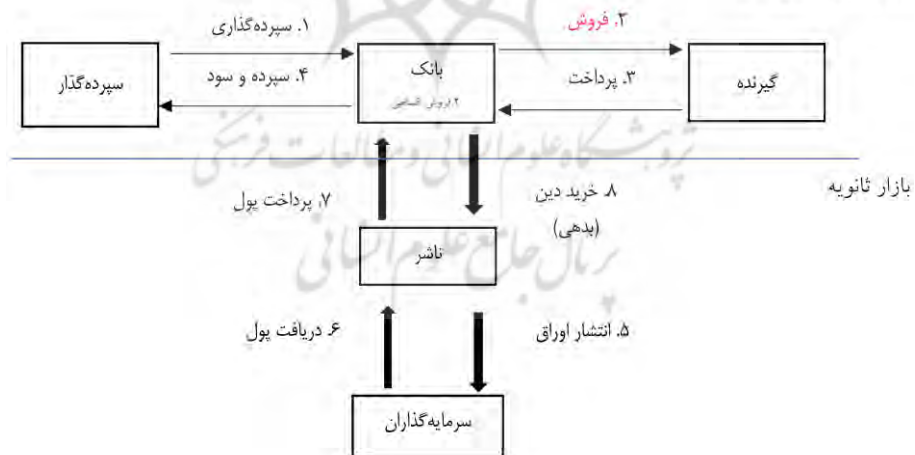
۳-۴-۱-۱. اوراق مرابحه رهنی

اوراق مرابحه رهنی از نوع ابزارهای مالی انتفاعی با سود معین است. براین اساس، می‌تواند سلیقه‌های بخش مهمی از صاحبان وجوه مازاد را که قصد سرمایه‌گذاری بدون ریسک دارند، پوشش دهد. در نتیجه، اگر مشکل فقهی نداشته باشند، قابلیت خرید و فروش در بازار ثانویه را هم خواهند داشت (موسویان و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۴). باید افزود که عملیات فروش اوراق ممکن است که در بازار ثانوی چندین بار تکرار شود. قراردادهای بیع نقد، بیع نسبه و وکالت اگر در بازار اولیه مشکل نداشته نباشند، در بازار ثانویه هم مشکل ندارند، اما فروش اوراق در بازار ثانوی که خرید و فروش دین است، محل اختلاف است؛ البته مشهور فقهای شیعه آن‌ها را صحیح

می‌دانند (موسوی، ۱۳۸۱، صص. ۷۸-۸۷) و شورای نگهبان نیز آن را مجاز می‌شمارد (هدایتی و همکاران، ۱۳۸۱، ص. ۱۵۹). از اوراق مرابحه رهنی می‌توان به‌عنوان مدل عملیاتی کارا در تأمین نقدینگی بانک‌ها استفاده کرد.

اوراق مرابحه رهنی چه در بازار اولیه و چه در بازار ثانویه ترکیبی از قراردادهای بیع نقد، بیع نسبه، وکالت و بیع دین (تنزیل) است. به این صورت که در این نوع از اوراق مرابحه، بانی با ارائه طرح توجیهی از طریق شرکت مدیریت دارایی مرکزی اقدام به انتخاب نهاد واسط (SPV) می‌کند. نهاد واسط با انتشار اوراق مرابحه و جمع‌آوری پول از سرمایه‌گذاران، به وکالت از طرف آنان تسهیلات رهنی حاصل از بیع بانی (بانک یا شرکت لیزینگ) به دولت، بنگاه‌ها و خانوارها را به‌صورت نقد و به قیمتی کمتر از قیمت اسمی، از بانی خریداری می‌کند. بانی متعهد می‌شود در سررسیدهای مشخص، تسهیلات واگذارشده را از بدهکاران (دولت، بنگاه‌ها و خانوارها) وصول کند و از طریق شرکت تأمین سرمایه به دارندگان اوراق برساند. دارندگان اوراق می‌توانند تا سررسید منتظر بمانند و از سود مرابحه استفاده کنند یا قبل از سررسید، اوراق خود را در بازار ثانوی به فروش برسانند.

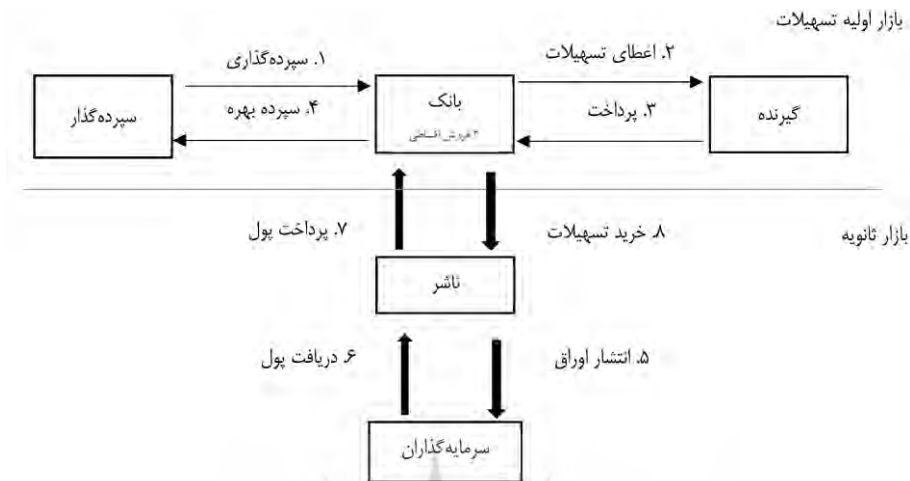
بازار اولیه تسهیلات



شکل ۱- مدل عملیاتی اوراق مرابحه رهنی در بازار اولیه و بازار ثانویه

۴-۳-۱-۲. اوراق اجاره به شرط تملیک

در ابتدا باید اشاره کرد که اوراق اجاره را می‌توان به دسته‌بندی‌های مختلفی تقسیم کرد. این اوراق بر اساس نوع عقد به دو دسته اوراق اجاره عادی و اوراق اجاره به شرط تملیک و بر اساس نوع بانی به دو دسته شرکت‌های عادی و مؤسسات مالی (بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی و لیزینگ‌ها) تقسیم می‌شود. انتشار اوراق اجاره و گرفتن وجوه آن‌ها از متقاضیان اوراق در قالب قرارداد وکالت است. به این معنا که متقاضیان اوراق با اعطای وجوه و گرفتن اوراق اجاره، به شرکت واسط وکالت می‌دهند که وجوه آنان را همراه دیگر وجوه جمع‌آوری کند و به صورت مشاع در خرید کالاهای سرمایه‌ای و بادوامی که بانک‌ها در تسهیلات اجاره به شرط تملیک به اشخاص حقیقی و حقوقی واگذار کرده‌اند، به کار گیرند و در امور مربوط، وکیل صاحبان وجوه باشد. باید افزود که خرید کالاهای سرمایه‌ای و بادوام و واگذاری آن‌ها توسط بانک در قالب قراردادهای بیع و اجاره به شرط تملیک است و خرید آن از بانک و دریافت اجاره‌بهای ماهانه، فصلی یا سالانه، بیمه کردن کالاهای مورد اجاره، تملیک عین مستأجره به مستأجر، عملیات حسابداری و تقسیم منابع حاصل شده میان صاحبان اوراق اجاره، همه از شئونات وکیل خواهد بود و واسط در قبال ارائه این خدمات، درصدی از اجاره‌بها را به عنوان حق الوکاله برمی‌دارد. واگذاری کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی بادوام به صورت اجاره به شرط تملیک از نظر فقهی و حقوقی صحیح است. فروش اوراق اجاره در بازار ثانوی از باب فروش سهم‌الشرکه فرد در دارایی‌های مورد اجاره است که از لحاظ فقهی صحیح است و قیمت فروش می‌تواند با توافق و رضایت طرفین تعیین شود. بعد از معامله، صاحب جدید اوراق در تمام مسائل حقوقی جانشین صاحب قبلی اوراق خواهد بود (موسویان، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸)



شکل ۲- مدل عملیاتی اوراق اجاره به شرط تملیک در بازار اولیه و بازار ثانویه

۵. آثار اقتصادی اوراق رهنی (مزایا و معایب)

تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار از مقوله‌هایی است که با توجه به مجموعه منافع آن و با عنایت به اینکه باعث آزادسازی بخش شایان توجهی از تسهیلات بانک می‌شود، نقش مؤثری در سامان‌دهی بازار پول و سرمایه کشور ایفا می‌کند.

۵-۱- مزایای پیاده‌سازی اوراق رهنی در بانک‌ها

بانک‌ها به چند دلیل ترجیح می‌دهند تسهیلات را به اوراق بهادار تبدیل کنند. برخی از مهم‌ترین مزیت‌های انتشار اوراق رهنی موارد زیر است.

- افزایش نقدینگی

با تبدیل دارایی‌های تسهیلاتی به اوراق بهادار، درآمدهای آتی به حال تبدیل می‌شود. بنابراین، بانک می‌تواند مبالغ فراوانی را به صورت نقد به دست بیاورد. این موضوع افزون‌بر افزایش قابلیت بانک برای اعطای تسهیلات به مشتریان، برای بهبود نسبت‌های مالی بانک مانند کفایت سرمایه بانک مفید است (فرجی و رفیعی شمس‌آبادی، ۱۳۸۹، صص. ۱۱-۱۰).

- بهبود مدیریت ریسک

بانک‌ها با انتشار اوراق رهنی، تمام یا بخشی از این فرایند و ریسک‌های موجود در آن را به افراد دیگر (واسط و سرمایه‌گذار) منتقل می‌کنند.

- افزایش در تنوع منابع تأمین مالی بانک با این راه حل می تواند برای تأمین مالی به بازارهای جدیدی دست یابد و خود را تنها محدود به سپرده افراد نکند.
- افزایش ثروت سهامداران انتشار این گونه اوراق سبب افزایش ارزش افزوده سهامداران می شود؛ زیرا وجوه حاصل به طور عمده صرف سرمایه گذاری در پروژه های با ارزش خالص فعلی مثبت می شود؛ البته اگر ارزیابی پروژه به درستی انجام و به موارد مدیریت ریسک توجه شود.
- بهبود بخشیدن به توان بانک در راستای تطبیق دارایی ها و بدهی ها بانک ها یا شرکت هایی که در زمینه اعطای تسهیلات فعالیت می کنند با این مشکل مواجه هستند که نتوانند دارایی هایشان را تا سررسید مقرر تأمین مالی کنند (فرجی و رفیعی شمس آبادی، ۱۳۸۹، صص. ۱۱-۱۰).

۵-۲- موانع و مشکلات پیاده سازی اوراق رهنی در بانک ها

- فقدان شبکه ارتباطات بین بانکی.
- ریسکی بودن تسهیلات اعطایی.
- نبود سیستم اطلاعاتی مشخص در بانک های کشور به منظور پیاده سازی مدل های اعتبارسنجی.
- بررسی حقوقی قرارداد با مشتریان.
- نبود مؤسسات سنجش اعتبار در کشور.
- مشخص نبودن ریسک اعتباری بانک ها.
- وجود مطالبات معوق بیش از حد در بانک ها موجب کاهش مطلوبیت برای ارکان فعال دیگر از جمله امین، ضامن و... می شود.
- معطوف شدن این ابزار به دو عقد فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک با توجه به محدودیت های شرعی و قانونی.

۶. تبیین فقهی ماهیت خلق پول و رهن بر دین

۶-۱. خلق پول از منظر فقهی

پول یکی از اساسی‌ترین و تأثیرگذارترین متغیرهای اقتصادی است که با توجه به نقش و جایگاه آن در ایجاد نوسانات اقتصادی و تعیین سطح عمومی قیمت‌ها، فهم چگونگی خلق آن و عوامل مؤثر بر آن، برای سیاست‌گذاران بسیار ضروری است. در نظام پولی جاری در همه کشورهای جهان افزون‌بر بانک مرکزی، بانک‌های تجاری و مؤسسات سپرده‌پذیر نیز در خلق پول مشارکت دارند. بانک‌ها و مؤسسات سپرده‌پذیر با اعطای وام یا سرمایه‌گذاری مستقیم اقدام به خلق سپرده پول می‌کنند. باید اشاره کرد که این عنصر کلیدی یعنی پول به علت پیچیدگی‌اش باعث شده است که اقتصاددانان در تبیین دقیق ماهیت آن با دشواری‌های فراوانی مواجه شوند و آنچه امروزه از تعریف پول بیان می‌شود، تنها تعریفی از کارکردها و وظایف پول است که جلوتر به آن خواهیم پرداخت، اما این ابهام و البته عدم توافق درباره ماهیت پول در دیگر حوزه‌های مرتبط با پول نیز وجود دارد و چگونگی خلق پول در اقتصاد نیز یکی دیگر از موضوعاتی است که ابهامات فراوانی درباره آن وجود دارد. در میان بانکداران، اقتصاددانان و سیاست‌گذاران نیز فهم مشترکی از چگونگی خلق پول در اقتصاد وجود ندارد (Mankiw, 2011, p. 440). تحولات گسترده‌ای که در حوزه پول صورت گرفته، یکی از علل این ابهام در کنار پیچیدگی خود مفهوم پول است. از همه مسائل متعارف که عبور کنیم، با توجه به چهارچوب‌های شرع و در این راستا توجه به حرمت شدید ربا در اسلام و حضور پررنگ ربا در قواعد و ترتیبات بانک، باید به مسائل فقهی این عرصه نیز دقت کنیم و خلق پول از منظر فقهی و شروط لازم برای انجام دادن این کار در سیستم بانکی به‌عنوان اصل مطلب مدنظر باشد. در ادامه، ابتدا به چیستی پول اشاره می‌کنیم و دیدگاه‌های رایج نسبت به خلق پول و ابعاد فقهی آن را توضیح می‌دهیم.

با توجه به مقدمه بالا، اقتصاددان پول را چیزی می‌داند که وظایف پول را انجام می‌دهد. پول را هر کالایی می‌داند که به‌عنوان واسطه مبادله، واحد مساحت، محاسبه ارزش و ذخیره‌کننده ارزش ایفای نقش می‌کند. اقتصاددانی مانند مشکین پول را هر چیز می‌داند که به‌صورت عمومی در پرداخت برای کالاها و خدمات یا بازپرداخت دیون

پذیرفته می‌شود (کميجانی، ابریشمی و روحانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۷). پول رایج شامل اسکناس و مسکوکات می‌شود و با این تعریف کاملاً تناسب دارد و یکی از انواع پول شمرده می‌شود، اما پول در طول زمان و با پیشرفت فناوری مصادیق دیگر نیز یافته است. باور و رفتار مردم در آنچه یک دارایی را پول می‌کند، نقش اساسی دارد. آنچه پول را پول می‌کند، این است که مردم باور دارند که دیگران آن را هنگام پرداخت‌هایشان می‌پذیرند. به بیان دیگر، مردم باور دارند که برای خرید کالاها و خدمات مورد نیاز خود یا پرداخت بدهی‌هایشان می‌توانند از آن دارایی استفاده کنند. تلقی مردم از پول و چگونگی خلق آن با آنچه در واقع اتفاق می‌افتد، متفاوت است. مردم معمولاً بانک مرکزی و به بیان دیگر، حاکمیت را عرضه‌کننده پول می‌دانند، اما برخلاف آنچه معمولاً تصور می‌شود، تغییرات در عرضه پول ناشی از فعالیت‌های بانک مرکزی، مؤسسات سپرده‌پذیر و عمدتاً بانک‌های تجاری و مردم است. با عبور از تفاوت‌های خلق پول پر قدرت توسط بانک مرکزی با خلق پول توسط بانک‌های تجاری، در ادامه دیدگاه‌های موجود درباره خلق پول را می‌آوریم و آنچه را امروز به‌عنوان مبنا در نظر گرفته می‌شود، معرفی می‌کنیم و به دو شرط لازم از نظر شورای فقهی برای جایز بودن خلق پول اشاره می‌کنیم.^۲

با مطالعه متون اقتصادی درباره ماهیت بانک و مواجه بودن با خروجی اصلی این ماهیت یعنی پدیده خلق پول، دو رویکرد اصلی و یک رویکرد منسوخ‌شده یافت می‌شود. در رویکرد منسوخ‌شده تعریف نظام بانکداری این‌گونه است: «بانک‌ها تنها یک واسطه‌گر مالی هستند که ارتباط میان سپرده‌گذار و وام‌گیرنده را برقرار می‌کنند و در واقع، همان سپرده را به وام‌گیرنده می‌دهند». امروز با توجه به گسترش نظام بانکداری و پیچیدگی‌هایش به‌راحتی متوجه می‌شویم سپرده‌گذار هر زمان که بخواهد می‌تواند سپرده خود را به نقد تبدیل کند درحالی‌که وام‌گیرنده هنوز اقدام به بازپرداخت تمام تسهیلات دریافتی خود نکرده است و این بانک را عملاً با چالش‌هایی مواجه خواهد کرد. رویکرد دیگر قابل مشاهده در نظام بانکداری امروزی، چگونگی ورود پول‌های سپرده‌ای به اقتصاد (خلق پول بانک تجاری) است. بانک‌های تجاری از طریق ایجاد سپرده‌های دیداری، سپرده‌های پس‌انداز و سپرده‌های مدت‌دار به جمع‌آوری وجوه



می‌پردازند و از آن‌ها برای اعطای وام‌های تجاری، مصرفی و مسکن یا خرید اوراق بهادار دولتی و... استفاده می‌کنند. در این رویکرد که به ضریب فزاینده پولی معروف است (سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵، ص. ۱۲) خلق پول با سپرده‌گذاری یک فرد در بانک آغاز می‌شود و سپس تحت نظام ذخیره جزئی این فرایند به ترتیب ادامه خواهد یافت. برای مثال، فرد الف ۱۰۰ هزار ریال در بانک الف سپرده می‌کند. بانک بخشی از سپرده را - ۱۰ هزار ریال - بر اساس نرخ ذخیره قانونی (۱۰ درصد) که بانک مرکزی تعیین کرده است، به عنوان نرخ ذخیره نگه می‌دارد و بقیه ۹۰ هزار ریال را وام می‌دهد. اعطای وام از طریق افزایش حساب موجودی وام‌گیرنده در بانک الف صورت می‌گیرد و حجم سپرده‌ها به ۱۹۰ هزار ریال افزایش می‌یابد و مدل ساده این روند طبق نگهداری ذخیره قانونی بالا ادامه می‌یابد تا در نهایت، حجم سپرده‌های بانکی یک میلیون ریال (حاصل ضرب عکس نرخ ذخیره قانونی ۱۰ درصد در سپرده اولیه ۱۰۰ هزار ریال) افزایش می‌یابد (Mankiw, 2011, pp. 445-446). مانند رویکرد نخست، در اینجا نیز بانک‌ها واسطه مالی هستند؛ زیرا پول‌هایی را که در آن‌ها سپرده‌گذاری شده است، وام می‌دهند، اما در این چهارچوب تنها نرخ ذخیره قانونی نقش اساسی دارد و با کاهش و افزایش آن قدرت و امکان خلق پول بانک‌ها تغییر می‌کند. رویکرد آخری که به آن می‌پردازیم و مورد اجماع بسیاری از اقتصاددانان و بانکداران است، می‌گوید رویکرد ضریب فزاینده پول تعریفی کامل از عملکرد امروز سیستم بانکداری و به دنبال آن خلق پول ندارد و به درستی حجم پول در اقتصاد را نشان نمی‌دهد. این رویکرد بیان می‌کند که بانک‌ها در دنیای واقعی ابتدا اعتباردهی (خلق سپرده) را گسترش می‌دهند و سپس به دنبال ذخایر می‌گردند و نشان می‌دهد که وام‌دهی یا خلق پول بانک‌ها متوقف بر سپرده‌گذاری مشتریان در بانک‌ها نیست و مورد دیگر مهم که از تعریف به آن پی می‌بریم، این است که دیگر در اینجا بانک‌ها تنها یک واسطه مالی نیستند، بلکه تولیدکننده اعتبار هستند. این رویکرد به نظریه پول درون‌زا نیز شناخته می‌شود (سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵). در این رویکرد، بانک با اعطای وام در واقع سپرده جدید خلق می‌کند و سپرده جدید بدهی بانک به شمار می‌آید و در طرف بدهی‌های ترازنامه بانک ثبت می‌شود. از سوی دیگر، وام پرداخت شده جزو مطالبات بانک از مشتری است و دارایی بانک شمرده و در طرف دارایی‌های ترازنامه ثبت می‌شود.

با توجه به توضیحات بالا و معرفی دیدگاه‌های مختلف به ماهیت و فرایند خلق پول در نظام بانکی، به این مورد مهم پی می‌بریم که چگونگی تبیین ماهیت بانک رابطه مستقیمی با نوع نگاه به خلق پول بانک‌ها و چهارچوب حاکم بر آن دارد. در آخر تنها لازم است اشاره کنیم که همه اقتصاددانان مسلمان، خلق پول بانک‌های تجاری را در چهارچوب رویکرد ذخیره قانونی تحلیل می‌کنند (عالی‌پناه و تاج لنگرودی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵) و در راستای دستیابی به مدل مطلوب خود، اصلاحاتی انجام می‌دهند. این رویکرد اقتصاددانان مسلمان از این نشئت می‌گیرد که آن‌ها بانک متعارف را به‌عنوان نهاد واسطه مالی صرف در نظر می‌گیرند که در چهارچوب رویکرد ضریب فزاینده پولی اقدام به خلق پول می‌کند. در رویکرد ضریب فزاینده پولی بانک بخشی از سپرده‌هایی را که تحت عنوان قرض و در مقابل پرداخت بهره به دست آورده است، به‌عنوان ذخیره قانونی نگه می‌دارد و بقیه را تحت قرارداد قرض و در قبال بهره در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد. در اینجا بر اساس شریعت، عقد قرض مبتنی بر رباست و به تعارض برمی‌خوریم. اینجاست که بیشتر اقتصاددانان و پژوهشگران حوزه بانکداری اسلامی تمام تلاش خود را به حذف ربا از ترتیبات بانکی معطوف کرده‌اند. در صورت تغییر ماهیت قرارداد میان سپرده‌گذار و بانک و از سوی دیگر، تسهیلات‌گیرنده با بانک، بانک بدون ربا یا اسلامی خواهیم داشت. بانک بدون ربا وکیل سپرده‌گذار و شریک سرمایه‌گذار در عقود مشارکتی است (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۵، صص. ۱۹۰-۱۸۹). در حال حاضر با تکیه بر مطالب توضیح داده‌شده، در ایران و دیگر کشورهای جهان نظام بانکداری با ذخیره جزئی جریان دارد که در آن هم بانک مرکزی و هم بانک‌های تجاری امکان خلق پول دارند. در این سیستم، بانک مرکزی پول بیرونی یا پول پر قدرت و بانک‌های تجاری پول درونی یا پول سپرده‌ای منتشر می‌کنند و بر اساس فرایند خلق پولی که به‌ویژه برای بانک‌های تجاری مطرح شد، می‌توان دریافت که تسهیلاتی که بانک در اختیار مشتریان خود قرار داده، صرف اعتباری است که می‌تواند خلق کند. پس بدهی مشتریان بانک دین حقیقی نیست. پرسش این است که آیا بانک می‌تواند این نوع دیون را که صرف اعتبار بانک است، به فروش گذارد؟ آیا مالیتی شرعی بر این اعتبار وجود دارد؟ آیا می‌توان بر آن عنوان مال برشمرد تا بتوان آن را در بازار ثانوی به فروش

گذاشت و بر اساس آن اوراق منتشر کرد؟ حال با توجه به پرسش اصلی پژوهش و آنچه در قسمت‌های بالا در اوراق رهنی و خلق پول بانکی مطرح کردیم، ابتدا به تعریف مالیت در منابع معتبر می‌پردازیم و پس از بررسی کامل فقهی و اقتصادی به پرسش اصلی مقاله پاسخ می‌دهیم.

۲-۶. تعریف مال

اهل لغت مال را به معنای اشیایی که انسان مالک آن می‌شود، معرفی کرده‌اند (ابن منظور، ۱۳۷۲، ج ۱، ص. ۳۶۳) و عرف مال را چیزی می‌داند که دارای ویژگی‌های زیر باشد.

- ۱- نوعاً بدان میل باشد.
- ۲- آن را برای انتفاع در زمان حاجت ذخیره کنند.
- ۳- برای به دست آوردن آن با هم به رقابت بپردازند.
- ۴- برای به دست آوردن آن، پول یا چیز باارزش دیگری بپردازند (خویی، ۱۳۷۵، صص. ۵-۶).

این ویژگی‌ها مال را در عرف نشان می‌دهد و اگر چیزی بخواهد مالیت شرعی نیز داشته باشد، شرط حلّیت شرعی را نیز بدان می‌توان افزود. مال با این تعریف شامل منافع می‌شود و تخصیص به اعیان دلیل ندارد. لغت و عرف بر این تعمیم شاهد است (خویی، ۱۳۷۵، صص. ۵-۶).

برخی معاصران نیز این تعریف را پذیرفته و بیان داشته‌اند که در مالیت وجود بالفعل لازم نیست. اگر در آینده هم به وجود بیاید، مالیت شامل آن می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵، صص. ۴-۵).

این تعریف دارای نکاتی است که لازم است بدان توجه شود.

- ۱- ذخیره برای روز حاجت که در تعریف مال آمده است کامل نیست؛ زیرا مانند سبزیجات و... را خارج کرده است درحالی‌که در مالیت این امور شکی نیست.
 - ۲- میل انسان به آن نیز دقیق نیست؛ زیرا به دوا می‌تلخ میل نیست، اما مال است.
- البته می‌توان مورد دوم را این‌گونه پاسخ داد که در موارد یادشده به علت ثمراتی که در نتیجه بدان مترتب است، میل وجود دارد.
- برخی فقهای اهل سنت نیز به هر آنچه انسان آن را به دست می‌آورد، مال اطلاق

کرده‌اند، چه عین یا منفعت باشد، اما آنچه را قابلیت حیازت برای انسان ندارد، مال نمی‌دانند (زحیلی، ۱۳۹۰، ص. ۴۹).

فقهای حنفی برای مال دو شرط لازم دانسته‌اند.

۱- امکان حیازت که در این صورت بر امور معنوی مانند علم و صحت و... اطلاق مال نمی‌شود.

۲- امکان انتفاع که بنا بر این، آنچه قابلیت انتفاع ندارد مانند گوشت مردار مال نیست.

مالیت با تمول کل یا بعض انسان محقق می‌شود، پس خمر مال است؛ زیرا غیرمسلمان از آن بهره‌مند می‌شوند و اگر عده‌ای خاص آن را مال ندانند، از مالیت خارج نمی‌شود.

مذاهب دیگر اهل سنت آنچه را قیمت دارد و تلف‌کننده آن ضامن است، مال دانسته‌اند. اینان حق را اختصاصی که شارع در راستای سلطنت معینی برای فرد قرار داده است، می‌دانند که می‌تواند مانند حق ملکیت به مال تعلق گیرد یا مانند حق حضانت به مال تعلق نگیرد. حنفی‌ها چون حیازت را در مال بودن در نظر گرفته‌اند، حقوق را مال نمی‌دانند. ملاک مالیت نزد حنفی‌ها عرف اعم از عرف عام و خاص است و ملاک مشهور آن چیزی است که نزد مردم دارای قیمت است و شارع انتفاع از آن را مباح دانسته است (حسن، ۱۳۷۸، ص. ۱۳۵).

برخی از اعلام معاصر شیعه نیز بیان داشته‌اند که مال حقیقتی به‌غیراز اعتبار ندارد. این اعتبار عقلاً منشأ دارد. قیمت‌گذاری آن‌ها بر اشیای خارجی بر اساس منافع استفاده‌شده از آن است و میزان حاجت و انتفاع و ثمرات مترتب بر آن است. وقتی مالیت اشیا به اعتبار منفعت آن است، پس خود منافع باید مال باشد. بر این مبنا، حقوق مال است.

بنابراین، مال اعتبار محض است که گاه صرف اعتبار و گاه بر اساس منفعت و حاجت و کم بودن آثار شیء است. درهرحال میل داشتن یا نداشتن در مفهوم مال نیست (آل کاشف‌الغطا، ۱۳۸۰، ص. ۳۱۶).

گروه دیگری از اهل نظر بر آن‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵، ص. ۵۵۱) که مال مفهومی انتزاعی نه اعتباری است که از متعلق ملکیت انتزاع می‌شود. ملکیت رابطه‌ای



میان افراد است که متعلق در خارج دارد و مال از آن انتزاع می‌شود؛ به شرطی که دو شرط ندرت و رغبت را داشته باشد.

ممکن است گاه با اعتبار نیز ایجاد شود، اما در این موارد اعتبار باعث می‌شود که در طول آن رغبت ایجاد شود و رغبت به متعلق آن موضوع باعث انتزاع مالیت از آن می‌شود. بنابراین، مالیت یک موضوع حقیقی انتزاعی به شرط داشتن رغبت و ندرت و اینکه بتواند متعلق ملک قرار گیرد، است. پس اگر چیزی متعلق ملک نباشد نمی‌تواند مال باشد. برای همین است که حق نمی‌تواند مال قرار گیرد؛ زیرا حق در عرض مالکیت است و مالکیت بدان تعلق نمی‌گیرد.

پس هرچه بتواند طرف برای مالکیت باشد، اگر دو شرط را داشته باشد، مال است و حق چون قسیم مال است نمی‌تواند مال باشد.

برخی حقوق‌دانان معاصر نیز مال را آن چیزی که دارای ارزش اقتصادی باشد، می‌دانند. در این دیدگاه چیزی ارزش اقتصادی ندارد که:

- ۱- بی‌فایده باشد.
 - ۲- حقارت داشته باشد مانند یک دانه گندم.
 - ۳- فراوان باشد مانند هوا.
- پس منفعت داشتن و محدود بودن دو عنصر مال است (شهیدی، ۱۳۹۶، ص. ۲۸۳).
- دیگر حقوق‌دانان معاصر نیز بیان داشته‌اند مال در اصطلاح حقوق اسلامی شامل عین و منفعت می‌شود. عناصر مال شامل موارد زیر است.
- ۱- عین موجود در خارج یا منفعت آن در مذهب حنفی و برخی حنابله منافع مال شمرده نمی‌شوند، اما باقی فرق اسلامی آن را مال می‌دانند.
 - ۲- قابلیت تقویم به پول را داشته باشد.
 - ۳- تقویم به پول باید متداول در عرف و عادت باشد. از این رو برخی فقها از مال عرفی صحبت کرده‌اند. بنابراین، اگر مارگیری مار را مهریه قرار دهد، چون مهریه باید مالیت داشته باشد، باطل است؛ زیرا عرفاً متداول نیست؛ گرچه برای برخی از مؤسسات برای استفاده از زهر آن مال باشد.
 - ۴- بالفعل باید قابل تقویم به پول باشد. بنابراین، اگر کسی املاکی دارد که اگر اجاره بدهد منافع یک سال آن اموال مانع ورشکستگی او می‌شود، این منافع

یکساله مانع توقف او در دعوی توقف نیست؛ زیرا این منافع تا به صورت قرارداد درنیامده باشد، بالفعل مال شمرده نمی‌شود. با توجه به این عناصر، حق خیار، حق شفعه و حق تحجیر مال شمرده نمی‌شود (لنگرودی، ۱۳۷۰، صص. ۹-۱۰).

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که برای مال چند نظر بیان شد.

۱- ارزش اقتصادی.

۲- رغبت عمومی.

۳- حیازت.

۴- اعتبار.

۵- انتفاع.

همان‌طور که معلوم است، به رغبت عمومی اشکال وارد و ارزش اقتصادی نیز در تعریف آن اثبات نشده است و حیازت نیز رابطه مستقیم ندارد و انتفاع اثر مالیت است. بنابراین، نظر اعتبار به نظر صحیح می‌رسد.

بر اساس توضیحات بیان شده به نظر می‌رسد نظریه اعتباری بودن مال از دیگر نظرات موجود دارای قوت بالاتری باشد. بنابراین، مال موضوعی اعتباری است که منشأ آن حاجت و منافع است. دیگر نظرات موجود از نقد خالی نیست که این مختصر مجال بیان آن نیست. با این دیدگاه می‌توان پول اعتباری را مال دانست؛ زیرا رافع حاجت و دارای منفعت و قید ندرت و رغبت عمومی نیز بدان است. پس معتبر می‌تواند مالیت را بر آن اعتبار کند. حتی بعید نیست که بنا بر نظر انتزاع هم بتوان مالیت را بر پول اعتباری بار کرد؛ زیرا پول اعتباری در عرف می‌تواند تحت مالکیت افراد قرار گیرد و عنوان مالیت را نیز داشته باشد. بر اساس این نظر، پول خلق شده توسط بانک نیز دارای مالیت است.

۳-۶. عین یا دین بودن پول خلق شده در نظام بانکی

لسان‌العرب دین را به معنای هر چیز غیرحاضر دانسته است و جمع آن را دیون می‌داند (ابن منظور، ۱۳۷۲، ص. ۱۶۷). فراهیدی نیز در العین همین معنا را برای دین بیان کرده است (فراهیدی، ۱۳۶۷، ص. ۷۲).

دین در اصطلاح بر آنچه بر ذمه فرد قرار می‌گیرد چه به وسیله قرض یا بیع یا دیگر



اسباب ضمان، اطلاق می‌شود. براین اساس، هر قرضی دین است، اما هر دینی نمی‌تواند محدود به قرض باشد (ابن سعید، ۱۳۶۳، ص. ۲۸۳). برخی از فقهای معاصر نیز دین را به معنای مال کلی ثابت بر ذمه انسان به یکی از اسباب دانسته‌اند (اصفهانی، ۱۳۹۲، ص. ۷۳). برخی دیگر از پژوهشگران نیز دین را به معنای قرض در لغت دانسته و براین اساس، غصب یا مهریه و... را دین لغوی ندانسته‌اند، بلکه آن را دین شرعی می‌دانند (غدیری، ۱۳۷۶، ص. ۱۸۵). با توجه به معانی بیان‌شده از لغت‌شناسان نمی‌توان این ادعا را دقیق دانست. بنابراین، هر آنچه بر ذمه انسان ثابت می‌شود، می‌توان نام دین را بر آن نهاد (موسوی سبزواری و همکاران، ۱۳۷۱، ص. ۵). از دیدگاه این گروه، این معنا مطابق با معنای لغوی، عرفی و شرعی دین است (موسوی سبزواری و همکاران، ۱۳۷۱، ص. ۵).

دین در اصطلاح باید مال کلی بر ذمه باشد. در تبیین این شرایط بیان شده است که مال بودن دین از عرف متشرعه اخذ شده است. بنابراین، حقوق محض یا حکم بر ذمه را دین نمی‌نامند؛ گرچه برخی این معنا را توسعه داده و بر آن موارد نیز اطلاق کرده‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ص. ۶۷۹).

کلی بودن آن نیز بدین دلیل است که مشهور، اعتبار اعیان خارجی بر ذمه فرد را صحیح نمی‌دانند (سبزواری، ۱۳۸۸، ص. ۵).

نتیجه اینکه، دین در لغت به معنای هر چیزی که حاضر نیست، اطلاق شده و در اصطلاح فقها هر مال کلی بر ذمه دین است. در مقابل دین، عین قرار دارد. عین به معنای آن چیزی است که در بیرون مابه‌ازا دارد و قابل اشاره حسنی است. پس عین به معنای مال موجود در برابر آن چیزی که نقد نیست، اطلاق می‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵، ص. ۵۳۱).

با این توضیح پول‌های خلق‌شده توسط نظام بانکی یا به معنای بهتر بدهی‌های بانکی از جنس دین یا عین است؟

از مطالب قبل معلوم شد که دین مال کلی بر ذمه و در مقابل آن، عین مال محسوس و قابل اشاره است. معیار برای تشخیص این امور کدام‌اند؟ آیا عرف یا لغت مرجع تشخیص است؟ در صورتی که عرف را ملاک قرار دهیم، عرف اقتصاددانان و متخصصان یا عرف بازار، کدام ملاک برای تشخیص دین یا عین بودن پول‌های خلق‌شده در نظام بانکی است؟ وحید بهبهانی (رحمت‌الله علیه) ملاک را عرف و اصطلاح شارع نه اصطلاح اهل

لغت یا عرف زمان حاضر یا عرف عام یا خاص می‌داند (بهبهانی و محمداکمل، ۱۳۷۳، ص. ۱۰۶) ایشان بیان داشته است که اگر عرف شارع معلوم بود که مسئله روشن است و در غیر این صورت می‌توان به عرف زمان حاضر مراجعه کرد و با افزودن اصاله عدم نقل به عرف زمان شارع دست یافت. اگر معنایی که در عرف به کار می‌رود با معنای لغوی آن متفاوت بود، اگر مسئله از مسائلی است که عرف شرعی بدان دست می‌یابد، ابتدا لازم است که پذیرش یا عدم پذیرش، حقیقت شرعی را مورد تحلیل قرار داد و اگر مسئله از مسائلی است که عرف عام بدان دست می‌یابد، برخی قول لغوی و برخی عرف را مقدم دانسته‌اند، اما به نظر می‌رسد تقدم عرف صحیح باشد (بهبهانی و محمداکمل، ۱۳۷۳، ص. ۱۰۶).

از بیان این عالم جلیل معلوم است که تشخیص عرف در مسائل مقدم بر لغت است و نیز معلوم است که عرف مینا، عرف زمان شارع است و در صورتی که بدان دسترسی نباشد، می‌توان عرف زمان حال را نیز ملاک قرار داد. نکته اصلی باقی‌مانده در این قسم، این است که عرف زمان متخصصان یا عرف عام، کدام یک می‌تواند معیار تشخیص در این موضوع و موضوعات مشابه قرار گیرد؟

برخی حقوق‌دانان معاصر، شروطی را برای اعتبار عرف بیان کرده‌اند. اول، کلی و غالبی باشد. دوم، عرفی که بر یک واقعه حاکم می‌شود، باید پیش از آن واقعه وجود یافته باشد. اگر پس از طرح یک دعوی که ممکن است مدت‌ها طول بکشد، عرفی به وجود آید، در موقع صدور حکم به آن عرف نمی‌توان استناد کرد. سوم، از طرف شخص صلاحیت‌دار تصریحی برخلاف اقتضای آن عرف نشده باشد والا اعتباری به عرف مزبور نیست (لنگرودی، ۱۳۶۲، ص. ۱۳۸). وی در تبیین مورد سوم بیان داشته است که در عرف بازار کاسب جزء را تاجر نمی‌نامند، اما در قانون تجارت به او نیز اطلاق تاجر شده است. بنابراین، نمی‌توان به عرف بازار توجه کرد (لنگرودی، ۱۳۶۲، ص. ۱۳۸).

برخی دیگر از پژوهشگران معاصر با بیان سه مقدمه زیر کوشیده‌اند تا میان عرف دقیق و مسامح تفکیک قائل شوند و عرف ملاک را برای تشخیص در موضوعات بیان کنند. اینان معتقدند که هر قضیه‌ای که مبین قانون است، وقتی حکم به موضوع تعلق می‌گیرد و قرینه خاصی وجود ندارد، منظور قانون‌گذار واقع خارجی موضوع است. دوم، هر نهادی



که متکفل تشخیص مصداق و تطبیق مفهوم بر موارد و افراد می‌شود، نظرش طریقت نه موضوعیت دارد و سوم اگر احکام بر واقع مفاهیم که موضوع قرار گرفته مترتب است و اگر هر نهاد تطبیقی مشروعیتش در داوری و تطبیق آلی است، نمی‌توان تسامح و بی‌دقتی را در این مسئله پذیرفت. (علیدوست، ۱۳۸۸، صص. ۲۷۳-۲۷۰). در نتیجه، عرف طریق فهم واقعیت‌هاست و نظر کارشناس در تطبیق مفاهیم عرفی بر واقعیت‌ها بر عرف عام مقدم است (علیدوست، ۱۳۸۸، ص. ۲۷۸). به عبارت دیگر، حق تقدم از آن نهادی است که طریقتش به کشف واقع مطمئن‌تر است (علیدوست، ۱۳۸۸، ص. ۲۷۸).

به نظر می‌رسد این نگاه با آنچه برخی از اعلام فقهای امامی بیان کرده‌اند، سازگار نباشد؛ زیرا همان‌گونه که محقق بهبهانی (رحمت‌الله علیه) در فایده چهارم از کتاب شریف *الفوائد الحائریه* بیان کرده است، احکام الهی بر موضوعات عرفی که عموم توان درک آن را داشته باشند، جاری می‌شود. ایشان آیه شریفه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ...»^۳ و نیز روایت «إِنَّ اللَّهَ أَجَلٌ مِنْ أَنْ يَخَاطَبَ مَعَ قَوْمٍ بِخَطَابٍ وَ يَرِيدَ مِنْهُمْ خِلَافَ مَا هُوَ بِلِسَانِهِمْ وَ مَا يَفْهَمُونَهُ» را دلیل بر این مدعا دانسته‌اند (بهبهانی، ۱۲۰۵، ص. ۱۰۵).

براین اساس، عرف عام ملاک تشخیص موضوعات است. در هر حال پول‌های خلق‌شده توسط بانک‌های تجاری به معنای اعم آن، اولاً، همان‌گونه که در مطالب قبل بیان شد، دارای مالیت است و نمی‌توان مالیت آن را مورد نقد قرار داد. ثانیاً، کلی و بر ذمه است. بنابراین، در نگاه دقیق، این پول‌ها بدهی‌هایی است که بانک در مقابل سپرده‌گذاران برای خود ایجاد می‌کند. اگر ملاک را برای تشخیص موضوعات عرف خاص متخصصان بدانیم، سپرده‌های بانکی دین بوده و نه تنها در این مسئله، بلکه در دیگر امور نیز با مشکلاتی مواجه است که نیاز به تبیین آن است. اگر عرف عام را ملاک قرار دهیم، نگاه عموم جامعه به این نوع خلق پول، نگاهی دینی نیست، بلکه آن‌ها این پول‌ها را دیون بر ذمه نمی‌دانند و معامله عین با آن دارند. به نظر، نگاه دوم با مبانی سازگارتر بوده و نیاز به تحلیل و توجیه اوراق رهنی بر اساس خلق آن‌هاست، باید دید انتشار اوراق رهنی چه حکمی خواهد داشت؟

۶-۴. مالیت مال کلی بر ذمه

پرسش اصلی این است که انتشار اوراق بهادار باید بر اساس دارایی پایه باشد که دارای

مالیت است. آیا کلی بر ذمه می‌تواند مالیت داشته باشد؟ اشکالی که می‌توان بر عدم مالیت کلی بر ذمه مطرح کرد، عدم ملکیت کلی است؛ زیرا ملک از مقوله اضافه است و مقوله اضافه بدون محل محقق نمی‌شود. به بیان دیگر، ملک یک صفت وجودی است و نیاز به محل دارد و اینکه یکی از مصادیق این کلی علی‌البدل محل واقع شود، صحیح نیست؛ زیرا این موضوعی انتزاعی محض است که شأنیت محل واقع شدن را ندارد (انصاری، ۱۳۷۳، ص. ۲۸۹).

این اشکال همان‌گونه که بزرگان فقهای امامی نیز بدان تأکید کرده‌اند، صحیح نیست؛ زیرا اولاً، ملکیت از امور اعتباری است و نیاز به محل ندارد. ثانیاً، رابطه ملکیت و مالیت تساوی نیست. بلکه عام و خاص من وجه است. محقق خراسانی با تأکید بر این رابطه، بیان داشته، همان‌گونه که معلوم است عمل انسان آزاد دارای مالیت است؛ گرچه ملکیت ندارد و رابطه این دو تساوی نیست (خراسانی، ۱۳۶۴، ص. ۳). وی در ادامه همین مطلب بیان داشته است که براین‌اساس می‌توان کلی بر ذمه را نیز مورد معامله قرار داد (خراسانی، ۱۳۶۴، ص. ۳).

محقق اصفهانی عدم مالیت عمل انسان آزاد را به دو دلیل دانسته است که نخستین دلیل آن را این‌گونه بیان داشته است که مالیت صفت وجودی است و منشأ انتزاع می‌خواهد و نمی‌تواند بر معدوم تعلق گیرد. وی در پاسخ به این شبهه می‌گوید اینکه بر موضوع عدمی مالیت تعلق نمی‌گیرد، صحیح نیست و شاهد بر این ادعا را مالیت داشتن کلی بر ذمه یا منفعت بر اجاره دانسته است (اصفهانی، ۱۴۰۲، ص. ۷۵).

با توضیحات بیان‌شده و نیز تعریفی که از مال در مطالب پیشین آمد، معلوم می‌شود که می‌توان عنوان مال بر کلی در ذمه نیز اطلاق کرد و عینیت خارجی نداشتن مال نمی‌تواند منحل مالیت آن شود. افزون‌براینکه فرض عدم پذیرش مالکیت مال کلی (که محل تأمل و بحث است)، دلیل بر عدم مالیت آن نیست؛ زیرا رابطه تساوی بین آن دو وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد که با توجه به اهمیت امروزه بازارهای پول و سرمایه در تأمین مالی و جذب نقدینگی برای انواع طرح‌های اقتصادی و هدایت صحیح نقدینگی به سمت بنگاه‌های تولیدی، به بررسی اوراقی بپردازیم که در بازارهای مالی برای فعالان اقتصادی



اهمیت دارد و حتی می‌تواند برای سیاست‌گذاران نیز در تأمین مالی طرح‌های بزرگ در سطح کشور مفید واقع شود. یکی از این اوراق پرکاربرد، اوراق رهنی است که یکی از ابزارهای مالی اسلامی است که امروزه برای تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار در راستای جذب نقدینگی و تبدیل دارایی‌های غیرنقد به منابع مالی، بسیار مهم شمرده می‌شود و به علت داشتن ریسک اعتباری مناسب برای سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران جذاب است. این اوراق همان‌طور که بررسی شد، دارای پشتوانه عقد رهن بوده که شرع مقدس آن را تأیید کرده است و می‌توان به‌طور گسترده از آن استفاده کرد، اما مسئله‌ای که ما در این مقاله به دنبال آن بودیم و بسیار بحث شد، این بود که آیا بازار اوراق رهنی بر اساس دیون از ناحیه سپرده‌گذاری، اعطای تسهیلات و سرمایه‌گذاری دارای صحت فقهی است یا خیر که بعد از معرفی اوراق رهنی و بررسی فقهی مدل‌های انتشار اوراق رهنی بر اساس اوراق مبتنی بر مرابحه و اوراق اجاره به شرط تملیک که صحت آن تأیید شده است، به مسئله جذب نقدینگی بانک‌ها از این طریق اشاره کردیم. با بررسی ابعاد خلق پول اوراق رهنی از لحاظ سپرده‌گذار و دریافت‌کننده تسهیلات در بازار اولیه و سپس جذب نقدینگی با انتشار اوراق مبتنی بر دارایی‌های تسهیلاتی در بازار ثانویه و اینکه خلق پول ماهیت عینی دارد و حتی عینیت خارجی نداشته نمی‌تواند محل مالیت آن شود، این مالیت در اینجا از نظر فقهی صدق می‌کند و انتشار اوراق رهنی بر سپرده‌های بانکی در نظام اقتصادی اسلام صحیح و خالی از اشکال و قابل استفاده است.

یادداشت‌ها

۱. این مقاله در نهمین همایش مالی اسلامی انجمن مالی اسلامی ایران (اسفند ۱۴۰۲) به‌عنوان مقاله برتر برگزیده شده است.
۲. هدف نویسندگان در این مقاله پرداختن کامل به چگونگی خلق پول به‌صورت مفصل نیست و تنها برای پیوستگی مطالب و نیاز به توضیح ماهیت خلق پول، به دیدگاه‌های رایج اشاره شده است.
۳. ابراهیم/۴.

کتابنامه

قرآن کریم.


The Holy Quran

- آل کاشف الغطا، محمدحسین (۱۳۷۹). تحریرالمجله (جلد ۱). تهران: مکتبه النجاشی.
- Al Kashif al-Ghata, Mohammad Hossein (2000). Magazine writing (volume 1). Tehran: al-Najah library.
- ابن سعید، یحیی بن احمد (۱۳۶۳). الجامع للشرایع (جعفر سبحانی تبریزی، محقق)، (جلد ۲). قم: مؤسسه سیدالشهدا.
- Ibn Saeed, Yahya bin Ahmad (1984). The Community of the laws (Jaafar Sobhani Tabrizi, researcher), (Volume 2). Qom: Seyyed al-Shohda Institute.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۳۷۲). لسان العرب (احمد تیمور، محقق)، (جلد ۱۳). بیروت: دار صادر.
- Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram (۱۹۹۳). Lasan-al-Arab (Ahmad Timur, researcher), (Volume 13). Beirut: Dar Sader.
- اصفهان، سیدابوالحسن (۱۳۹۲). وسیله النجاة (جلد ۲). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت الله علیه).
- Esfahani, Sayyed Aboul Hasan (2012). Means of Salvation (volume 2). Qom: Institute for editing and publishing the works of Imam Khomeini (may God have mercy on him).
- اصفهان، محمدحسین (۱۳۸۸). المكاسب (عباس آل سباع، محقق)، (جلد ۱). چاپ ۳، قم: نشر پایه دانش.
- Esfahani, Sayyed Aboul Hasan (2009). Gains (Abbas Al Saba', researcher), (Volume 1). 3rd edition, Qom: Knowledge Base publication.
- بهبهانی، وحید؛ و محمداکمل، محمدباقر (۱۳۷۳). الفوائد الجائزیه (جلد ۱). چاپ ۱، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- Behbahani, Vahid; and Mohammad Akmal, Mohammad Bagher (1۹۹۴). Al-Fawaid al-Ha'ariyyah (Volume 1). 1st edition, Qom: Islamic Thoughts Forum.
- پاسبان، محمدرضا؛ و اسماعیلی، حسین (۱۳۹۲). «بررسی ماهیت فقهی و حقوقی ابزارهای مالی صکوک مرابحه و اجاره». نشریه علمی-پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، ۳ (۶)، ۲۲-۱.
- Paseban, Mohammad Reza; and Esmaili, Hossein (2013). "Study of jurisprudential and legal nature of sukuk murabaha and rental financial instruments". Scientific-Research Journal of Islamic Jurisprudence and Law, 3 (6), 1-22.
- حسن، احمد (۱۳۷۸). الاوراق التقدییه (جلد ۱). چاپ ۱، دمشق: دارالفکر.
- Hassan, Ahmed (1۹۹۹). Banknotes (Volume 1). 1st edition, Damascus: Dar al-Fikr.
- حسینی دولت‌آبادی، سیدمهدی (۱۳۹۵). «ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی». مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۶ (۲)، ۱۹۸-۱۷۳.
- Hosseini Dolat Abadi, Seyyed Mehdi (2016). "The nature of the bank and its implications for Islamic banking studies". Islamic Economic Studies, 16 (2), 198-173.
- خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۵). مصباح الفقاهه (محمدعلی توحیدی، محقق)، (جلد ۲). چاپ ۱، قم:



منشورات مکتبه‌الداوری.

- Khoi, Abu al-Ghasem (1996). *Light of Jurisprudence* (Mohammed Ali Tohidi, researcher), (volume 2). 1st edition, Qom: al-Davari library pamphlets.
- دستورالعمل انتشار اوراق رهنی (۱۳۸۴). اجرای بند ۲ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار. ۲.
- Guidelines for issuing mortgage bonds (2005). Implementation of Clause 2, Article 7 of the Securities Market Law. 2.
- رستمی، شعیب؛ و حیدری‌پور، مهسا (۱۳۹۴). «مدیریت موجودی اوراق بهادار بانکی و ریسک نقدینگی در سیستم‌های مالی». اولین کنفرانس مدیریت و کارآفرینی در شرایط اقتصاد مقاومتی.
- Rostami, Shoab; and Heydari Pour, Mahsa (2015). "Bank securities inventory management and liquidity risk in financial systems". The first management and entrepreneurship conference in the conditions of resistance economy.
- زحیلی، وهبه (۱۳۹۰). *موسوعه فقه‌الاسلامی و قضایا المعاصر* (جلد ۱۰). چاپ ۳، دمشق: دارالفکر.
- Zahili, Wehbe (2019). *Encyclopedia of Islamic jurisprudence and contemporary cases* (Volume 10). Edition 3, Damascus: Dar al-Fikr.
- سبحانی، حسن؛ و درودیان، حسین (۱۳۹۵). «ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به‌وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی». *جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۶ (۶۴)، ۵۵-۳۱.
- Sobhani, Hassan; and Dorudian, Hossein (2016). "Evaluating the justification of money creation through the banking system in the Islamic banking system". *Iranian economic inquiries*, 16 (64), 55-31.
- سروش، ابوذر (۱۳۸۷). «اوراق مشارکت رهنی ابزاری نوین در تأمین مالی بانک‌ها». *فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۸ (۲۹)، ۱۸۸-۱۶۳.
- Soroush, Abuzar (1). "New Mortgage bonds in bank financing". *Scientific-Research Quarterly of Islamic Economy*, 8 (29), 188-163.
- سلیمان‌پور، محمدجواد (۱۳۸۲). «قراردادهای مالی جدید در اسلام». *اقتصاد اسلامی*، ۳ (۱۱)، ۷۹-۹۶.
- Soleiman Pour, Mohammad Javad (2013). "New financial contracts in Islam". *Islamic Economics*, 3 (11), 96-79.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۶). *حقوق مدنی* (جلد ۱). چاپ ۱۳، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- Shahidi, Mehdi (2017). *Civil rights* (Volume 1). 13th edition, Tehran: Majd Scientific and Cultural Assembly.
- عالی‌پناه، علیرضا؛ و تاج لنگرودی، محمدحسین (۱۳۹۵). «بررسی فقهی خلق پول به‌وسیله بانک تجاری». *دوفصلنامه علمی-تخصصی پژوهش‌نامه میان‌رشته‌ای فقهی*، ۱۰ (۲)، ۹۴-۶۵.
- Aali Panah, Alireza; and Taj Leng Rodi, Mohammad Hossein (2016). "Jurisprudential study of money creation by commercial bank". *Bi-quarterly Scientific-Specialist Journal of Interdisciplinary Jurisprudence Research*, 10 (2), 65-94.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *فقه و عرف* (جلد ۱). چاپ ۴، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- Ali Doust, Abul Ghasem (1388). *Jurisprudence and Custom* (Volume 1). 4th edition, Qom: Research Institute of Islamic Culture and Thought.

۱۳۳  بررسی ابعاد انتشار اوراق رهنی با تأکید بر خلق پول؛ مطالعه فقهی و اقتصادی / صادق الهام و دیگران

غدیری، عبدالله عیسی ابراهیم (۱۳۷۶). القاموس الجامع للمصطلحات الفقهية (جلد ۱). چاپ ۱، بیروت: دار الرسول الاکرم (صلی الله علیه و آله).

Ghadiri, Abdullah Isa Ibrahim (1997). Al-Qamous al-Jam for Jurisprudential Terms (Volume 1). Edition 1, Beirut: Dar al-Rasul al-Ikram (peace be upon him).

فراهیدی، خلیل (۱۳۶۷). کتاب العین (مهدی المخزومی و ابراهیم السامرای، محققان)، (جلد ۸). بیروت: هجرت.

Farahidi, Khalil (1988). Kitab al-Ain (Mahdi al-Makhzoumi and Ebrahim al-Samrai, researchers), (volume 8). Beirut: Hijra.

فرجی، شهرزاد؛ و رفیعی شمس آبادی، پریسا (۱۳۸۹). «بررسی فرایند انتشار اوراق رهنی و چگونگی به کارگیری آن؛ راهکاری به منظور تأمین نقدینگی بانکها». مجموعه مقالات ۲۱^{امین}

همایش بانکداری اسلامی؛ چشم انداز نظام بانکداری بدون ربا: فرصت‌ها و چالش‌ها.

Faraji, Shahrazad; and Rafieei Shams Abadi, Parisa (2010). "Study the process of issuing mortgage bonds and how to use it; A solution to provide liquidity to banks". Proceedings of the 21st Islamic Banking Conference; Prospects of interest-free banking system: opportunities and challenges.

کفشگر، حسین؛ و نظری پور، محمدنقی (۱۳۹۲). «آسیب شناسی به کارگیری عقد مرابحه در روش

تأمین مالی اسلامی». فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۵ (۴)، ۳۸-۷.

Kafshgar, Hossein; and Nazari Pour, Mohammad Naghi (2013). "Pathology of using Murabaha contract in Islamic financing method". Scientific-Promotional Quarterly of Islamic Economics and Banking, 5 (4), 7-38.

کمیته تخصصی سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۸۶). صورت جلسه بررسی انتشار اوراق مشارکت رهنی. مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار.

Specialized Committee of the Securities and Exchange Organization (2007). Minutes of the meeting to review the release of mortgage bonds. Management of research, development and Islamic studies of the Securities and Stock Exchange Organization.

کمیجانی، اکبر؛ ابریشمی، حمید؛ و روحانی، سیدعلی (۱۳۹۷). «ماهیت بانک و فرایند خلق

پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها». دوفصلنامه علمی-پژوهشی جستارهای

اقتصادی ایران، ۱۵ (۲۹)، ۳۸-۹.

Kamijani, Akbar; Abrishami, Hamid; and Rouhani, Seyyed Ali (2018). "The nature of the bank and the process of creating bank money; Criticism of common views and implications". Bi-quarterly Scientific-Specialist Journal of Iranian Economic Studies, 15 (29), 38-9 .

لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۳۲). مقدمه عمومی علم حقوق (جلد ۱). چاپ ۹، تهران: گنج دانش.

Lang Rodi, Mohammad Jafar (1983). General introduction to the science of law (volume 1). Edition 9, Tehran: Ganj Danesh.

لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۰). مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام (جلد ۱). چاپ ۱، تهران: گنج دانش.



- Lang Rodi, Mohammad Jafar (1991). Legal libraries in Islamic law (Volume 1). Edition 1, Tehran: Ganj Danesh.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۳۸۸). *مذهب الاحکام فی بیان الحلال والحرام* (جلد ۲۱). قم: دارالتفسیر.
- Mousavi Sabz Vari, Seyyed Abdulla Ali (2008). Religion in Expression of Halal and Haram (Volume 21). Qom: Dar al-Tafsir.
- موسوی، سیدباقر (۱۳۸۱). «خرید و فروش دین (تنزیل)». *فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۲ (۷)، ۷۵-۸۸.
- Mousavi, Seyyed Baqer (2002). "Buying and selling religion (discount)". Scientific and Research Quarterly of Islamic Economy, 2 (7), 88-75.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۹۱). *بازار سرمایه اسلامی* (جلد ۱). چاپ ۶، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- Mousavian, Seyyed Abbas (2012). Islamic capital market (volume 1). 6th edition, Qom: Publications of Islamic Culture and Thought Research Center.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۸۶). *ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)* (جلد ۱). چاپ ۶، قم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- Mousavian, Seyyed Abbas (2007). Islamic Financial Instruments (Sukuk) (Volume 1). Edition 6, Qom, Islamic Culture and Thought Research Center Publications.
- موسویان، سیدعباس؛ و تاجمیر ریاحی، حامد (۱۳۹۷). «روش تحقیق جامع طراحی ابزارهای مالی اسلامی (مختار)». *فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۶۹ (۱۸)، ۵۱-۱۷.
- Mousavian, Seyyed Abbas; and Tajmir Riahi, Hamed (2018). "Comprehensive research method for the design of Islamic financial instruments (Mukhtar)". Scientific-Research Quarterly of Islamic Economy. 69 (18), 17-51.
- موسویان، سیدعباس؛ و میثمی، حسین (۱۳۹۴). *بانکداری اسلامی* (جلد ۱). چاپ ۱، تهران: پژوهشکده پول و بانکداری.
- Mousavian, Seyyed Abbas; and Meisami, Hossein (2015). Islamic Banking (Volume 1). 1st edition, Tehran: Research Institute of Money and Banking.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۵). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)* (جلد ۵). چاپ ۱، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اهل بیت (علیهم السلام).
- Hashemi Shah Rodi, Seyyed Mahmoud (2015). The culture of jurisprudence according to the religion of Ahl al-Bayt (peace be upon him) (Volume 5). 1st edition, Qom: Institute of the Jurisprudential Encyclopedia of Ahl al-Bayt (peace be upon him).
- Mankiw, G. (2011). Essentials of Economics, 6th ed., Mason: South- Western Cengage Learning.